



متن کامل نامه توطئه آمیز

« تهرانی »

دژخیم و شکنجه گر ساواک

بها : ۱۵ ریال

وسيعلم الذين ظلموا اني منقلب ينقلبون

انقلاب است و مبارزه و "جابجائی" قدرتها و طبقات و درهمین رابطه ، توطئه ها و نقشه های ضدانقلاب برای عقیم ساختن حرکت مقدس مردم ما ، در انواع و اقسام اشکال مسمثرکننده و در عین حال خنده دار ، گویا آتش در خانه "زنبور" و آب در لانه "مور" افتاده است ، و همه اینها برای فرار از " مجازات " اعمال کثیف و خائنانه ایست که در طول دهها سال آگاهانه انجام داده اند و خود بدان معترفند ، از غلط کردنها و ... خوردنها و گریه کردنها و قیافه مظلومانه ۱ و معصومانه ۱ گرفتن (۱) تا با اصطلاح

۱- قیافه شاهین شکنجه گرساواک که بحکم دادگاه انقلاب تیرباران شد و دیگر دژخیمان رژیم ، در روزنامه ها در این مورد دیدنی است .

دفاع کردن ؛ از کردارهای ردیلانه خود تحت عنوان
" مامور بودن و معذور بودن ؛ " و گناه خود را به گردن
سیستم و نظام انداختن و باز تمامی اینها و صدها
" فریبکاری " و " حقه بازی " و ظاهرسازی و عوامفریبی و
حتی " خواص فریبی " ؛ برای فرار از " مجازات " و
نجات زندگی کنیف و منعفن خود از دست انتقام گیر
خداوندی ، که اکنون از آستین نوده ها بدرآمده است . فرار
از همان مجازاتی که امروز در جامعه ما چشم نمناک و دل
پریشان هزاران مادر و کودک و ... منتظر است تا در مورد
این " دژخیمان دزخیم " اعمال شود ، و اگر منصفانه
بنگریم باید چنین باشد ، که بمجازات رساندن جنایتکاران
خود از بارزترین خصیصه های انقلاب است ، و گرنه حیات
جامعه و حیات انسانها بخطر می افتد و کار اجتماع نقصان
میکرد ؛ " ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب " و
و این بار حقه های تازه و شیوه محیلانه برای فرار
از " مجازات " طرح میشود و چون " جرم " فرد مجرم ،
" اظہر من الشمس " است و جای هیچگونه توجیه و
تفسیر حتی مانند همپالکی های دژخیمش را ندارد ، از
در دیگری وارد شده ؛ غافل از اینکه این در نیز همان
دری است که این " مزدور " سالیان سال ، از آن
آمد و رفت داشته است ، و امروز مردم ما و مخصوصا

رهبران ما در آن حد از رشد ادراک و شعور سیاسی
هستند که این در ، و تمامی درهای دیگری که اساسا به
خانه ضد خلق باز میشود ، بخوبی می شناسند و دیگر
فریب این فریبکاری های مدرن را نخواهند خورد و بدانها
وقعی نخواهند نهاد ؛ " ان کید الشیطان کان ضعیفا " و
و این بار بهمین نادرپور معروف به " تهرانی " و
دژخیم ساواک که در چنگال خلق فهردمان اسیر و کلویس
بوسیله دادگاه و یاسدار انقلاب هر لحظه فشرده ترمی -
کردد ، طرح توطئه های تازه ریخته و با تلاشی سخت
مذبوحانه میکوشد تا خود را نجات دهد . ؛
" تهرانی " ، این عنصر فعال و مپره کار آمد
ساواک ، نامهای به پیشگاه مجاهد کبیر حضرت آیت الله
طالبانی ارسال داشته و " ندامت ؛ " نوشته و اعلام
نموده است که آماده خدمت به جمهوری اسلامی
است !!!

هیئات که این نغاله ها و رجاله ها ، جمهوری
اسلامی را با رژیم منفور دست نشانده شاه خائن ، در خیال
نایاک خود بکسان انکاشته اند و گرنه ، جرئت چنین
جسارتی را آنهم با این وقاحت و بیروئی بخود نمیدادند .
این نامه بدست ما افتاد و از محتوای آن باخبر
شدیم و از طرح نوطئه های دشمنان خلق و ضد انقلاب

نکات خوردیم و احساس وظیفه کردیم ناهموطنان رنج کشیده و شهید داده، خود را از این نوطه ها و وجود چنین افعیان ما برخورداریم که هنوز زهر آکین خود را می جنبانند و در میان ما به توطئه گری مشغولند با خبر کنیم ، تا از این طریق هوشیاری انقلابی این خلق قهرمان را فزونی داده باشیم .

"تهرانی" دژخیم شکنجه گرساواک ، "قاتل" ۹ تن شهیدان زندان ، دستگیر کننده مجاهد کبیر محمد حنیف نژاد ، شکنجه گر مخصوص زنان کبیر و مبارز ما ، کادر مرکزی گروه نفوذ در سازمانها و گروههای مبارز ، خالق مرد هزار چهره (اسلامی) و عنصری که سالیان دراز در خدمت تمامی هرزگیها و حناات رژیم ضد خلقی بوده است ، اعلام کرده که :

"حاضر است داوطلبانده به پیشبرد اهداف

جمهوری اسلامی کمک کند" !!!

گویا این "مفلوکان مفلوک" عادت کرده اند که با هر رژیمی که قدرت را بدست داشته باشد ، تنها و تنها بخاطر ادامه زندگی حیوانی " بل سیاه تر " خویش همکاری کنند ، چنانکه رئیس آواره شان "ثابتی" نیز هم اکنون به سامان دادن ساواک " فاهره " بر علیه ملت محروم مصر و خلقهای محرومتر منطقه مشغول است.

گویا خیانت به مردم مصر ، بلاگردان زندگی ننگین وی و ارباب مخلوع و فاسدش باشد که بایستی بپردازند .

و ما چقدر باید ساده اندیش باشیم تا باور کنیم که فاطمی که بیرحمانه ۹ تن از مجاهدین و رزمندگان خلق را در تپه های اوین از روبرو با وحشیانه ترین شکل برگبار می بندد و حتی باعث تعجب دیگر دژخیمان همراهش میشود و کسی که تا دیروز تمام استعداد و توانش را آگاهانه در خدمت سرکوب خلق مسلمان مانهاده بود اینک نگران اسلام ، انقلاب اسلام و جمهوری اسلامی باشد !!!
و رهبران با صلاحیت و با کفایت ما را در چگونه نماز خوان کردن نوجوانانمان راهنمایی کند و آموزش دهد !!!
مباد که زهراندیشانی چون تهرانی و تهرانیها غم دین ما و مردم ما را خورند .

"تهرانی" این تفاله پس مانده رژیم در تحلیل !
و رهنمودی ! که از جنبش مردم قهرمان ما بدست میدهد ! ،
تفرقه اندازی ، جدائی ، انهدام وحدت کلمه و نهایتا جنگ داخلی را برای جامعه ما پیشنهاد میکند و با وقاحت هر چه تمامتر " اجازه میخواهد تا در این امر پیشنهادی سهم خود را ادا کند " ! و این دقیقا همان شعارها و راه حلها و ناله هائستیست که در سرتاسر عمر دیکتاتوری ، رژیم شاه خائن سر میداد و ارائه میکرد و هم اکنون از خواسته های

درجه اول و نقشه‌های شوم امپریالیسم در جامعه ماست تا مسیر انقلاب ما را منحرف کند. و بار دیگر سلطه جهنمی خود را بر جامعه ما اعمال نماید. اما خلق قهرمان ایران با هوشیاری هر چه تمام‌تر و بهائی کزاف، تمامی این نوطک‌ها را نقش بر آب کرده و از این پس نیز خواهد کرد و به‌اشک تمساحانی چون تهرانی، دل نخواهد داد:

"کیف وان یظہروا علیکم لا یرقبوا فیکم الا ولا ذمه" (۱)

در پایان، پس از ارائه متن کامل نامه، قسمتی از اصل این نامه شیطانی را فتوکپی میکنیم تا جای گفت‌وگوئی باقی نماند.

(۱) - چگونه است که اگر اینان بر شما غلبه میکردند، هیچ قراردادی را (جز شکنجه، آزار، حبس و اعدام) درباره شما روا نمی‌داشتند و اعمال نمی‌کردند.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله حاج سید محمود علانی طالقانی
حضرت حجت الاسلام آقای حسن لاهوتی اشکوری

از آنجائیکه میدانم در شرایط کنونی وقت حضرات کم و گرانبهاست لذا بدون هیچگونه حاشیه‌پردازی به اصل مطلب میپردازم.

۱- علت پیروزی جنبش اسلامی: حقیقت این است که رآز پیروزی انقلاب اسلامی بودن آن بود که بهر حال با توجه به اعتقادات مذهبی و ایمان درونی ما ایرانیها، همانطور که افسران و سربازان ارتش را در مقابله با سروه‌های انقلابی اسلامی که سلاح اکثریتشان مشت‌های گره‌کرده و الله اکبر بود، دچار تردید کرد. کارمندان ساواک را هم

با وجود آنکه اطلاعات وسیعی از فعالیت های گروههای مختلف داشتند، تسلیم ساخت. بطوریکه عملا هیچگونه اقدامی در جهت خشی سازی این انقلاب انجام ندادند و بعنوان یک مسلمان که هنگام تولد کلام آسمانی "شهدوا ان لا اله الا الله..." درگوشش خوانده شده بود، نتوانستند جواب الله اکبر را باچیز دیگری بدهند و جز منتظر ماندن کار دیگری نکردند.

عدم مقاومت پادگانها و اشغال ساختمانهای ساواک که تقریبا بدون درگیری انجام شد همگی ناشی از قبول انقلاب و رای به حقانیت آن بوده است.

۲- بررسی تضادهای گروههای کمونیست با جنبش اسلامی:

نظربه اینکه من طی مدت خدمت در ساواک در قسمت مبارزه با کمونیسم بوده و بعدها به کمیته منتقل و تقریبا همین هدف را دنبال نموده ام همیشه از خطر نفوذ و اشاعه کمونیسم در صفوف مجاهدین اسلامی و سایر گروهها در هراس بوده ام - زیرا عملا هر نوع فعالیت کمونیستی را با تکیه بر اعتقادات مذهبی مردم میشد با انجام تبلیغات سرکوب کرد - توجه بفرمائید که پس از فرار محمدتقی شهرام از زندان ساری و یکسال بعد از فعالیت او در سازمان مجاهدین خلق که زیربنای اصول اسلامی فعالیت میکرد. بناگهان

سازمان مجاهدین بر اثر تبلیغات وی تغییر ایدئولوژیک داد و با انتشار جرعه "اعلام مواضع ایدئولوژیک" بکلی اصول اسلامی را رد و علل شکست و ضربه خوردن سازمان مجاهدین را دنباله روی از ایده آلایسم مذهبی قلمداد و مسائل و تئوریهای مارکسیستی را جایگزین ایدئولوژی مذهبی سازمان مجاهدین نمود و کار بجائی کشید که تعدادی از مجاهدین مسلمان را نیز با همکاری همفکرانش کشته و حتی اجساد آنها را سوزانید. مجید شریف واقفی یکی از نمونهها - ی این تصفیه بوده و وعده دیگری نیز به سرنوشت او دچار شدند که شناخته نگردیدند.

تجربه محمدتقی شهرام و آنچه بر سر سازمان مجاهدین خلق که بعدها به "سازمان منافقین" معروف شد، نباید فراموش شود چه بسا که این تبلیغات هم اکنون بوسیله کمونیستها روی عدهای از جوانان مسلمان ولی غیر آگاه در جریان باشد و امکان دارد خدای ناکرده به همین زودیها شاهد دیگر برای تعدادی از همین جوانان از مذهب و اسلام باشیم.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تمام گروهها و دستجات کمونیست رهبری بی چون و چرای امام خمینی را قبول داشتند ولی به محض پیروزی، تغییر ماهیت داده و با انجام مانورهای گوناگون قصد دارند که حداقل سهم

بیشتری برای خود دست و پا نمایند و بهمین مناسبت مطالب جدیدی را مطرح می‌نمایند. چریکهای فدائی خلق در مصاحبه‌ها و اعلامیه‌های خود اعلام کرده‌اند :

الف : ما فکر میکنیم که طبقه کارگر از راههای پارلمانی به حاکمیت نخواهد رسید .

ب : سازمان ما همچنانکه در قیام پرشکوه خلق، در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن نشان داد تنها راه سرکوب امپریالیسم و ارتجاع را مبارزه مسلحانه میدانند .

(نقل از شماره ۳۲۹۹ روزنامه آیندگان مورخه ۸/۱۱/۵۷ صفحه ۲)

پ : مسئله تامین سلاح برای ما مسئله مشکلی نیست . ما حتی در سخت ترین شرایط همانطور که در گذشته هم نشان دادیم خودمان را مسلح میکردیم و در حد نیاز این امکانات را فراهم میکردیم .

(ب نقل از شماره ۱۰۶۳۹ روزنامه گیهان مورخه ۲۸/۱۱/۵۷)

ث : در اجتماع فلان ؟! هزار نفری که طرفداران سازمان چریکهای فدائی خلق در تاریخ ۴ اسفند ۵۷ در دانشگاه تهران برگزار شد ، شعار " ارتش خلقی بپا میکنیم ، میهن خود را میگیریم " و " تنها راه رهائی پیوند با فدائی " از جمله شعارهای دهن پرکن بود که مرتباً روی آن تاکید میکردند .

حال آیا دید بیبینیم منظور کلی آنها چیست؟ بدنبال

فتوای حضرت آیت الله العظمی امام خمینی در مورد خودداری مردم از شرکت در راه پیمائی روز پنجشنبه ۳ اسفند ، یکباره سیاست و گفتار سخنگویان این سازمان که راه پیمائی را لغو و به اجتماع روز ۴ اسفند در دانشگاه تهران موقوف کردند ، تغییر کرد و در مصاحبه‌ای که با آنها از طریق مطبوعات و تلویزیون ... بعمل آمد ، هیچکس از آنها بطور صریح و بی پرده نپرسید مگر شما خود را مارکسیست - لنینیست میدانید که این ایدئولوژی باعث رد وجود خدا ، در اصل با اصول اسلامی و یکنایستی مخالف است . منظور شما از ارتجاع چیست؟ آیا اصول اسلامی را مرتجعانه میدانید . نظر شما راجع به دولت موقت آقای بازرگان چیست ؟ منظور شما از اینکه عنوان کرده‌اید طبقه کارگر از راههای پارلمانی به حاکمیت نمیرسد چیست ؟ این سؤال ها و صدها سؤال دیگر جوابشان یک مفهوم را می‌رساند که این سازمان در شرایط فعلی و در برابر حکومت ملی موقت همچنان معتقد به مبارزه مسلحانه بوده و خود را برای مبارزه بعدی (به قول خودشان نا - بودی و انهدام طبقه خرده بورژوا و رسیدن به دیکتاتوری پرولتاریا) آماده می‌سازد زیرا این ایدئولوژی همه جوامع را به استثنای جامعه با اصطلاح کمونیستی مرتجع و محکوم به زوال و فنا میداند ، همه میدانیم که حمله به سفارت آمریکا در تهران و تلویزیون بدون توجه به دستورات رهبر

انقلاب بوسیله اعضای مسلح چریکهای فدائی خلق صورت گرفته است - گوایکه در مصاحبه‌ها تکذیب کرده - اند - و احتمالاً میتوان تیرانداریهای مشکوک دیگر در تهران و بویژه تبریز را نیز که از نظر تبلیغاتی به عوامل ساواک نسبت میدهند از ناحیه اعضای این گروه دانست که برای منوش کردن اذهان عمومی و باقی‌سلاح در دست خود دست به این اعمال زده و میزنند . نمونه‌ها بسیارست : دستگیری دونفر سرنشین یک اتومبیل حامل اسلحه و مواد منفجره و کشف یک خانه که محل ابرار فاشنگ و انواع مهمات در تبریز بوده و منجر به اجتماع و قیاحه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در مقابل کمیته در تبریز شد .

خروج اسلحه و مهمات صادره شده از پادگانها که در مسجد دانشگاه تهران و دانشکده فنی نگهداری میشد . و سایر اتفاقات که من بی اطلاع از جمله اقداماتی است که اعضای سازمان مسلح چریکهای فدائی خلق در آنها دست داشته‌اند . البته با اطلاعاتی که حضرات بطرق مختلف کسب میفرمایند بهتر میتوانند ماهیت حقیقی این سازمان را در شرایط فعلی مورد بررسی قرار دهند . از طرف دیگر تمام گروهها و دستجات کمونیست و افرادی که قبلاً عضو رسمی یا طرفدار این سازمانها بوده

وزیر بیرق این دستجات سینه میزده اند بکرات در روزنامه‌ها اعلام کرده اند که باید ارتشی متشکل از نیروهای انقلابی منجمله جوانان کمونیست وابسته به این گروهها تشکیل و ارتش قبلی بطور کلی بعلت وابستگی به امپریالیسم ؟! تارومار شود و از بین برود و ارتش جدید با شرکت و حضور فعال آنها بازاری شود ، (یعنی مملکت را دودستی به آنها تقدیم کنیم تا در ارتش نفوذ کافی نمایند) آنها میدانند در انتخابات آینده موفقیتی نداشته و در اقلیت محض هستند ، آنها میدانند که اصول اسلام در کل با مسائل مارکسیستی - لنینیستی (کمونیستی) در تضاد است و حتی احتمال میدهند مبارزه بعدی با آنها خواهد بود . بهمین علت از هم اکنون با دخیزه سازی سلاح و ایجاد سروصدا و تحت فشار فرار دادن دولت و استفاده از کلیه نیروهای وابسته مشغول آماده ساختن خود برای جنگ احتمالی آینده هستند . آنها همانطور که تا - کنون از معرفی یا آشکار ساختن چهره اعضای کمیته مرکزی خود و یا سایر اعضای مسلحشان در سراسر کشور خودداری و همچنان بطور مخفی فعالیت مینمایند ، سعی خواهند کرد با توجه به محبوبیتی که در بین برخی از جوانان و دانش آموزان ناآگاه و ماجراجو بدست آورده‌اند ، با تجدید سازمان و عضوگیری های جدید و احتمالاً اعتلاف با سایر

گروههای کمونیست که تاکنون با هم دارای اختلاف عقیدتی بودند اتحاد نامقدسی علیه جمهوری اسلامی بر پاوآن راه جمهوری سوسیالیستی و با هراسم غیر اسلامی دیگری تغییر دهند. این اقدامات نیز متاسفانه در شرایطی صورت میگیرد که ارتش از هم پاشیده شده و افراد آن نیز روحیه مناسبی ندارند و نیروهای انقلابی اسلامی نیز دارای آنچنان سازماندهی واقعی و تعلیمات کافی نیستند که قادر به مقابله با آنها باشند. از طرفی یک سازمان اطلاعاتی که قادر به کسب خبر و شناسایی آنها باشد وجود ندارد. این سازمان دارای اعضای ورزیده‌ای میباشد که دوره‌های لازم برای جنگ چریکی شهری و پارتیزانی را دریم جنوبی و ظفار و فلسطین (پایگاه حبه خلق برای آزادی فلسطین به رهبری حرج حبش) دیده و قبلاً نیز امکانات و سهیلاتی از طریق دولت لیبی برای آنها فراهم میشد. همانطور که در نشریاتشان آمده با ارتش آزاد حبش خلق ترکیه (کمونیست) و گروه با در مایتهوف و اغلب سازمانهای کمونیستی معقد به عملیات مسلحانه و تروریستی همکاری و ارتباط داشته‌اند. در پیوندهای مربوطه در ساواک مدارکی وجود دارد که ارتباط سازمان چریکهای فدائی خلق با دولت شوروی و همچنین اقدامات حاسوسی و خبرچینی آنها برای شوروی از طریق عده‌ای از پرسنل نیروی هوایی

محرز میسازد و عده‌ای از هم‌افران نیروی هوایی نیز با آنها همکاری داشته‌اند.

مطلب زیاد است، اما بعنوان یک ایرانی مسلمان که از ابتدای استخدام در ساواک (۱۲ سال) در اهداف مبارزه با کمونیسم کار کرده و از نزدیک وضعیت گروهها و دستجات مختلف مارکسیستی را تا حدودی میدانم، اعلام خطر میکنم که دولت موقت انقلاب اسلامی و بطور کلی مسئولین امر باید هر چه زودتر برای مقابله با این گروهها و دستجات دیگری منجمله حزب توده (تمام اعضای کمیته مرکزی این حزب که در آلمان شرقی - لایپزیک هستند حیره‌خوار شوروی بوده و متاسفانه عده زیادی در ایران نیز عضو و هواخواه دارد) سازمان انقلابی حزب توده (طرفدار چین و معتقد به جنگهای چریکی در روستاها که گروه دیگری بنام کادرها از آن مشعب شده است) سازمان مارکسیستی - لنینیستی طوفان (طرفدار مبارزه مسلحانه و طرفدار چین) سازمان نوید (وابسته به حزب توده) گروه مشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق ، سازمان اتحاد سرای ایجاد حزب طبقه کارگر (این سازمان تعدادی از اعضای سازمان منافقین " مجاهدینی که کمونیست شدند " را در داخل خود جای داده است) ، گروه ۱۹ بهمن ، گروه سناره سرخ ، گروه شفق سرخ ، حزب کمونیست ایران ،

اتحادیه کمونیست های ایران ، هسته مقاومت ، آرمان خلق ، رزمندگان خلق ودهها گروه بدون نام دیگر وجود دارند که هر یک از این گروهها بسوبه خود مشغول تبلیغ و تحریک هستند .

علاوه بر این درکانون ها و انجمن های مختلف باصطلاح روشنفکری منجمله کاسون وکلا ، انجمن نویسندگان و سفرای ایران ، کاسون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و حتی در داخل سازمان رادیو- تلویزیون در روزنامه های کیهان ، آیندگان ، اطلاعات و غیره نیز عده ای از عناصر کمونیست وجود دارند که سعی مینمایند خط مشی ساز - مانهای خود را با آمال کمونیستی همراه سازند . برای نمونه جبهه گیری اغلب اعضای این کانونها در مسائل دولت و یا انتشار وصیت نامه خسرو گل سرخی و کرامت اله دانشیان در مطبوعات و بویژه نمایش فیلم دفاعیات خسرو گل سرخی ارتلو بیرون که ضمن ستایش از مولای متقیان گفت : " من از اسلام به مارکسیست رسیده ام " از این دونفر و بطور کلی کمونیستها چنان چهره فهرمانانه ای ساخت که شاید بادشواری بنوان این تبلیغات ناچار از اذعان جوانان خارج کرد . بخصوص اینکه وقتی گل سرخی میگوید ، من از اسلام به مارکسیست رسیده ام برای یک شنونده عامی چنین استنباط میگردد که ایدئولوژی مارکسیسم -

لنینیسم برتر از همه ادیان و ایدئولوژیهاست و افرادی چون خسرو گل سرخی و خسرو روزبه که بدست رژیم سابق به اعدام محکوم شده اند ، پیامبران معصوم و بیگناه این ایدئولوژی بوده اند .

اگر بخواهم از سایر گروهها و دستجات ویاسایر ساز - مانهای پوششی کمونیست ها بنویسم ، بقول معروف منسوی هفتاد من کاغذ شود . اما فقط یک سؤال باقی میماند که با توجه به وضعیت گروهها ، رهبری انقلاب چطور باید بنا آنها رفتار نماید و بطور کلی چه باید کرد .

۳- پیش نهادات و نظریات

گروههای کمونیست و طرفداران این ایدئولوژی را که با محدودیت آزادی ، درگیریهای خیابانی ، برهم زدن جلسات و یا حتی فشار نمی توان از بین برد . زیرا در صورت ادامه فشار ، این گروهها مخفی شده و مبارزه با آنها مشکلتر خواهد شد . با کمونیسم میتوان بصورت های اطلاعاتی ، تبلیغاتی و برطرف کردن نارسائیهای اجتماعی مبارزه کرد و بطور کلی ریشه کن کردن فقر ، فساد ، تبعیض و بیکاری که همگی در اسلام مدنظر است ، موجب خواهد شد که هیچگاه کمونیسم بصورت فرشته نجات برای طبقات محروم و مستضعف در نیاید .

الف : اقدامات پنهانی اطلاعاتی : داشتن اخبار و اطلاعات در زمینه‌های گوناگون ، بویژه آگاهی از اهداف مخالفین و تصمیمات آتی آنها از جمله اصول مسلمی است که همواره دولت‌ها و پادشاهان امر را در تصمیم گیری کمک کرده است و بهمین علت است که وجود یک واحد اطلاعاتی که وظیفه‌اش فقط جمع‌آوری خبر از نظریات فشرهای مختلف و گروه‌های مخالف منجمله کمونیست‌ها باشد ، ضروری بنظر میرسد . لیکن اگر این موضوع در این شرایط بصورت آشکار و با اعلام تجدید سازمان ساواک سابق و یا هر چیزی باین نحو باشد ، بهانه تبلیغاتی بسیار مناسبی بدست مخالفین و صاحبان ایدئولوژیهای مختلف بخصوص کمونیست‌ها میدهد . بهمین مناسبت این " واحد اطلاعاتی " بایستی واقعا بطور کامل سری تشکیل شود و تحت نظر یکی از معتمدان دولت مشغول فعالیت شود . ضمنا این واحد اطلاعاتی میتواند یکی از واحدهای " سپاه پاسداران انقلاب اسلامی " (پاسا) باشد . وظیفه این واحد اطلاعاتی پنهانی میتواند شناسائی گروهها و دستجات کمونیست ، مراکز تجمع آنها ، محل اختفای اسلحه و مهمات و نفوذ در داخل این گروهها در کلیه سطوح باشد که کار بسیار مشکل و حساسی است و احتیاج به افرادی دارد که حداقل به مسائل مارکسیستی آشنائی داشته باشند .

اقدامات بعدی این واحد ، تهیه گزارش راجحوتگی اوضاع واقعی کشور بر اساس اطلاعات بدست آمده و پیش بینی و دادن پیشنهادات مناسب برای تصمیم گیری به مقامات مسئول است . البته واحد مذکور بر اساس نیازمندیهای دولت مثلا در مورد ضد جاسوسی ، اطلاعات مثبت و گسترش یافته و یا همچنان بطور محدود فعالیت کند .

ب : مسائل تبلیغاتی : یکی از ستونهای نیرومند انقلاب اسلامی ، جوانان بودند ، جوانانی که اکثریت مردم این کشور را تشکیل میدهند و مناسبانه خیلی زود هم تحت تاثیر قرار میگیرند و اگر برنامه تبلیغاتی مناسبی برای جذب آنها بسوی انقلاب اسلامی سازماندهی و آموزش مستر آنان فراهم نشود ، همانطور که شاهد هستیم همه روزه تعداد زیادی از آنها برای عضویت در سازمان چریکهای فدائی خلق به محل‌های استقرار این سازمان مراجعه و ضمن نامنویسی به تعلیمات نظامی و غیره مشغول شده و به این ماجرا دلخوش میشوند . سازمان چریکهای فدائی هم که برابر روش خود بطور غیر مستقیم عضوگیری مینمایند ، تعدادی از افراد مستعد تر را عضوگیری و بطور ویژه مورد تعلیم قرار داده و از وجود بقیه بعنوان سمپاتیزان و طرفدار و بطور کلی اعضای پشت حبه (آسکار) در فرصت‌های مناسب استفاده مینمایند .

حقیقت اینست که دولت نمیتواند به این زودیها زرق و برق دروغین فرهنگ و تمدن استعماری را که خالی از معنویات بوده، و در جامعه ما رسوخ کرده، بزداپدوبایستی این عمل را بتدریج انجام دهد، باین ترتیب که سعی شود حداقل زندگی روزمره و عادی مردم هرچه زودتر بصورت گذشته درآید و از طریق تلویزیون که نقش کاملا موثری دارد برنامه های سرگرم کننده که در داخل آنها پیام هائی هم وجود داشته باشد بخصوص برای کودکان و جوانان پخش شود تا برنامه های مورد نظر دولت بتدریج آماده شود.

بررسی و نقد آثار اسلامی در رادیو - تلویزیون، ادامه بحث های آقای بنی صدر، جلسات بحث و گفتگو با افراد ملی و صاحبان ایدئولوژیهای مختلف (گویانکه کمتر کسی حاضر میشود مارک کمونیست بودن را تحمل کند و در این بحث ها از این ایدئولوژی دفاع نماید و اعضای سازمان چریکهای فدائی هم احتمالا دارای تئوریهایی قوی نیستند و در حال حاضر اکثر قریب به اتفاق افراد معتقد به کمونیسم به مسئله سانسور و آزادی مطلق چسبیده اند و باز هم همانطور که میدانید ارهکاری بارادیو سولویزیون و سایر رسانه های گروهی وابسته به دولت خودداری کرده اند) تخصیص برنامه های در برنامه کودکان و نوجوانان در رادیو - تلویزیون برای بالا بردن اطلاعات مذهبی آنها به زبان

ساده با استفاده از چهره هائیکه مورد شناسائی کودکان و نوجوانان هستند مثلا در خلال دو برنامه کارتون که برای بچه ها پخش میشود و موقع اقامه نماز است، به جوانان تذکر دهنده حالا وقت نماز و ستایش پروردگار است و جوانان واجد شرایط با راهنمایی بزرگترهای خود، به خواندن نماز مشغول شوند و بطور کلی ذهن جستجوگر کودکان را نسبت به مسائل مذهبی کنجگاو نمایند و بعدا کنجگاو های او را اغنا نمایند.

بایستی سعی شود به خرده گیریها، انتقادات، احتمالا پیشنهادهائی که از طریق گروه های به اصطلاح مخالف بویژه کمونیستها مطرح میشود، از طریق سخنگوی دولت پاسخ منطقی داده شود. زیرا عدم پاسخگویی موجب برداشتهائی در زمینه حقانیت مطالب مطروحه مخالفین در اذهان بوجدومی آورد.

خودداری از برآکندن شایعات و مطالب دروغین و وعده های غیر عملی از ناحیه رسانه های گروهی و مراجع دولتی که نتیجه ای جز رویکردانی مردم از دولت و مذهب ندارد.

ب: همکاری و مشارکتها: ضمن آنکه بایستی اقدامات همه جانبه که منجر به عادی شدن برنامه زندگی مردم میگردد صورت پذیرد باید روح انقلابی اسلامی را

در مردم همچنان زنده نگهداشت اقدامات زیرمیتواند در این زمینه مؤثر باشد، البته این مسائل با اقداماتی که دولت و هیئت وزیران برای ایجاد کار که متأسفانه در آینده نزدیک مشکلات زیادی تولید میکند و جلب نظر طبقات مختلف و انجام حداقل خواسته‌های اکثریت مردم انجام دهد، تفاوت دارد.

(۱) تربیت دادن اجتماعات، تظاهرات

راهپیمائی و... بمنظور قوت بخشیدن به نقطه

نظریات مذهبی مردم.

(این اجتماعات نباید به دعوت دولت برگزار شود و افراد مومن و معتقد غیر دولتی هر یک از محلات میتوانند در این کار سهیم باشند)

(۲) انجام کارهای جمعی مثل دعوت از

مردم هر محله از طریق مساجد و کمیته برای مشارکت

در پاک سازی محلات:

درخت کاری، گل کاری معابر، تمیز کردن خرابه‌های محلات و مرمت محله‌ای که طی مدت انقلاب تخریب شده و امثالهم و انعکاس این اقدامات در رسانه‌های گروهی

(۳) شخم زدن دسته جمعی با حضور روحانیون

و مردم هر روستا و قریه با استفاده از امکانات ادارات و شعبات وزارت کشاورزی در هر منطقه و خودیاری مردم

(۴) استفاده از ماشین آلات ارتش در هراستان و منطقه و ترمیم جاده‌های خاکی روستائیان بنسبتب ارجحیت و استفاده از همکاری محصلین و مردم هر منطقه

(۵) ایجاد نمازخانه در کارخانجاتی که فاقد نمازخانه

هستند و اختصاص وقتی برای اینکه کارگران فرصت اقامه نماز را داشته باشند. البته صرف نظر از این موضوع به منظور

جلوگیری از نفوذ کمونیستها (نعداد زیادی از اعضای مخفی سازمان چریکهای فدائی خلق و سایر گروههای کمونیست از

دو سال پیش در کارخانجات مختلف بعنوان کارگر بکار مشغول و حالیه نیز هستند و مبادرت به تبلیغ کارگران کرده

و میکنند) و جلوگیری از تاثیر تبلیغات آنها در بین کارگران مهمترین کار اقدام وزارت کار در اجرای صحیح قانون کار در

کارخانجات و امتیازات جدید و مترقی برای کارگران و بهبود وضعیت خانوادگی، درمانی، رفاهی آنها باید باشد.

حضرت آیت اله، من در شرایط فکری، معلوماتی و سنی نیستم که بتوانم برای دولت یا مسئولین امر ارائه

طریق نمایم ولی از آنجائیکه جناب عالی حضرت حجت الاسلام لاهوتی را مورد اعتماد امام خمینی و جناب آقای

مهندس بازرگان میدانم و مطمئن هستم که با تجاربی که در اثر همجواری با کمونیست‌ها در زندان و مبارزه در اجتماع

کسب فرموده‌اید و با توجه به موضع کنونی آنها این خطر

رابهتر حس میکنید ، مطالبی دربالا بسمع حضرات رسید ، شامل مقادیری حقایق ومدارک زنده درمورد فعالیت های گروههای کمونیست وجسارتا حاوی پیشنهاداتی از ناحیه حقیراست که تصمیم گیری درمورد مسائل مطروحه موکول به نظر مسئولین امر است .

درخاتمه به استحضار میرساند ، در بازداشتگاه اوپین همانطور که احتمالا تاکنون بایستی روشن شده باشد هیچگونه مخفی گاه ، سیاهچال ، سلول ببر یا هر رنگ دیگری وجود ندارد اوپین همانست که بدست نیروهای انقلابی افتاده و حداقل شما میدانید که کلشائیان (رئیس وقت زندان) مینواند همه گونه همکاری را بنماید ، تعدادی مین هم در قسمت های شمال غربی روی تپه ها کار گذاشته بودند که آنها هم بوسیله سروان منوچهری خنثی یا منفجر شده است همین قدر میگویم که جستجو در اوپین برای پیدا کردن جاهائی که فقط زائیده تخیل مردم و بر اساس شایعات است کاری است بیهوده .

با اعلام خطر مجدد تاکید میکنم که حضور حتی یک کمونیست در ارتش اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (پاسا) فاجعه ای خواهد بود برای آینده مملکت .

نکته دیگر اینکه فقط بیاد آورید کمونیستهابعلت

داشتن اکثریت در داخل زندان چه محدودیتی برای زندانیان مسلمان فراهم کرده بودند . زندان را برای آنان به جهنمی مبدل کردند که سرانجام حضرت آیت الله طالقانی مجبور به دادن فتوای معروف خود مبنی بر قطع ارتباط همه جانبه با مارکسیستها شدند ، اگر آن فتوا هنوز هم معتبر است منم خود را متعهد به اطاعت و اجرای آن فتوا میدانم .

اکثریت مردم این کشور را تشکیل می دهند و مگر آنکه در میان خود هم تحت نامی قرار می گیرند و اکثر بر نامه تبلیغاتی
 مابین برای حزب آنها بسوی انقلاب اسلامی و از زمانه های گذشته می مستر آنگاه فراوان شود و عاملی که شاهد هستند
 همه روز تعداد زیادی از آنها برای حضرت در میان هر کجا که می روند مطلق به من های استوار این سازمان
 واحد و منزه ناموسین به تعلیمات تقاضی و غیره مشغول شده و با این ماجرا دلگوشی می شوند. سازمان چریکی
 مدامی هم که با او روشی خود بطور غیر مستقیم عضو گیری می نمایند. تعدادی از افراد مستعدتر را عضو گیری و بطور ویژه
 مورد توجه قرار داده و از وجود عقیده معینان سپاه جوان و بطور خاص اعضای پشت جبهه (آکار) در
 نهضت ها مناسب استفاده می نماید.

حقیقت اینست که دولت ایران در این روزها ازوق دروغین فریبگه و کذب استعاری را که عالی از
 معنویت بوده و در جامعه ما رواج کرده نیز در این عمل را تسبیح انجام دهد با این ترتیب که سعی
 شود حداقل در پیش روز و عاری مردم همه بدتر بصورت گذشته در آنکه در طریق تلویزیون
 که گفته می شود تقریبی دارد برنامه های سرگرم کننده که در داخل آنجا پیام های هم وجود داشته باشد
 مخصوص این کودکان و جوانان پیش می رود تا برنامه های سرگرم کننده دولت تبلیغی ایجاد شود.

برای دفعه آثار اسلامی در رادیو تلویزیون اطلاع می نماید که اینها نیز هم در جلسات بحث و گفتگو با افراد
 ملود و مهاجران ایرانی و بیگانه محقق است و اینکه گفته می شود حاضر می شود و مرکز کمونیت بودن را نمی کند در این
 بحث ها از این دیدگاهش دفاع نماید و اعضای سازمان چریکی می خدایم اما حق داران شهرت می یابند قوی می بینند
 در حال حاضر اکثر ترمیم با اتفاق افراد مقتدی که گویند به شدت مورد کاروان مطلق جمعیه اند و بازم عاملی
 که میباید از حمایت با رادیو تلویزیون و سایر رسانه های گروهی وابسته به دولت خود مارک کرده اند.

تخصیص برنامه های در برنامه کودکان و نوجوانان در رادیو تلویزیون برای بالا بردن اطلاعات مذهبی آنها سازمان
 ساز با استفاده از گروه های سرگشته که در سازمان و نوجوانان هستند مثلاً در خلال دوره برنامه گامتان که برای
 بچه ها پیش می رود و مرتباً آقامه نماز است، به جوانان که کرده اند و حالا وقت نماز و نماز روزگار است و جوانان

و اید شراطی با راه های برتری ها خود به جوانان نماز مشغول شود و بطور کلی ذهنی که در کودکی را نسبت به
 مسائل مذهبی گنجا و فانی و معنی گنجا و با او آشنا نماید
 این عملی می شود به نفع دیگری است. اشکالات اشکالات چندان در این طریق کمترین سوء فاعلی مخالف.